

تأملی در نظرات مشورتی دیوان جهانی درباره مشروعیت سلاح های هسته ای

دیوان جهانی و سلاح های هسته ای

پتر اچ. اف. بکر*

برگردان: نادر ساعد

در دعوی ترافی ارجاعی به آن از سوی دولت ها،^(۴) می تواند به درخواست ارکان سازمان ملل متحد و سازمان های خانواده در آن

* . دکتر پتر اچ. اف. بکر، در نیویورک به وکالت اشتغال دارد. وی رئیس کمیته محاکم بین المللی در بخش حقوق و عملکرد بین المللی کانون وکلای ایالات متحده می باشد که در سال های ۹۴ - ۱۹۹۲ عضو دفتر دیوان بین المللی دادگستری در لاهه بوده است. از آنجا که درخواست نظر مشورتی از دیوان در مورد سلاح های هسته ای در سال ۱۹۹۴ از سوی مجمع عمومی و سازمان بهداشت جهانی صورت گرفت، وی از اطلاعات مربوط به جزئیات موضوع و جهات عملی آن بی بهره نبوده است و در این راستا، صرفاً قصد مترجم آن بوده که مستندات مقاله را در منشور و در نظریه مشورتی دیوان مشخص نماید. مقاله حاضر برگردان متن زیر است:

Peter H.F. Becker, "Advisory Opinions of the Word Court on the Legality of Nuclear Weapons, November 1996", ASIL Insight or WWW.ASIL. Orgl.

مقدمه

در ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، دیوان بین المللی دادگستری که عموماً به دیوان جهانی مشهور است - درخصوص دو درخواست مجزا که از سوی سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد مشروعیت سلاح های هسته ای براساس حقوق بین الملل صورت گرفته بود، دو نظر مشورتی را صادر نمود. دیوان به عنوان رکن قضایی اصلی ملل متحد^(۱) که اساسنامه آن از منشور تفکیک ناپذیر می باشد،^(۲) از ۱۵ قاضی که نماینده مناطق مختلف و نظام های مهم حقوقی جهان هستند،^(۳) تشکیل می شود. دیوان علاوه بر اشتغال به صدور رأی

شرایطی خاص، نظر مشورتی غیر الزام آور صادر نماید.^(۵)

۱- مقررات منشور در خصوص تهدید یا توسل به زور
۲- اصول و قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه که بخشی از حقوق قابل اعمال در درگیری های مسلحانه و حقوق بی طرفی را تشکیل می دهند.
۳- هرگونه معاهده خاص مرتبط با سلاح های هسته ای.^(۸)

مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح های هسته ای

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۴ از دیوان درخواست کرد تا در مورد سؤال ذیل، نظری مشورتی صادر نماید:

در اعمال این حقوق، دیوان لازم دانست که اوضاع و احوال خاص و منحصر به فرد سلاح های هسته ای به ویژه قدرت انهدامی آنها را که ممکن است به ایجاد درد و رنج های غیرقابل شمارش بر نسل های آینده بینجامد، مدنظر قرار دهد (بنده ۳۵ رأی دیوان). دیوان نخست مقررات منشور در خصوص تهدید یا توسل به زور را بررسی نمود. اگرچه بند ۴ ماده ۲ (منع عمومی تهدید یا توسل به زور)، ماده ۵۱ (شناسایی حق ذاتی هر دولت برای دفاع مشروع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله ای مسلحانه) و ماده ۴۲ منشور (تجویز شورای امنیت به اتخاذ اقدامات اجرایی نظامی) به سلاح های خاصی اشاره نمی کنند، دیوان اعلام کرد که مقررات مذکور در خصوص هرگونه توسل به زور بدون توجه به نوع سلاح های مورد استفاده اعمال می شوند. دیوان متذکر شد که منشور ملل متحد استفاده از هیچ نوع سلاحی (از جمله سلاح های هسته ای) را صراحتاً نه اجازه می دهد و نه منع می کند و

«آیا براساس حقوق بین الملل، تهدید یا استفاده از سلاح ها در هر شرایطی مجاز است؟»^(۶)

در همین راستا، دیوان صلاحیت گسترده مجمع برای ارائه چنین درخواستی را براساس منشور و اقدامات مکرر مجمع در مورد خلع سلاح و سلاح های هسته ای، احراز و تأیید نمود.

دیوان همچنین دریافت که درخواست مذکور به مسئله ای حقوقی به معنای موردنظر اساسنامه دیوان و منشور مربوط می شود و اگرچه مسئله ارجاعی به اختلافی خاص مربوط نبوده و در عباراتی مختصر و مجمل ارائه شده است، دلیلی مسلم برای عدم پذیرش آن درخواست وجود ندارد.^(۷)

دیوان در تعیین مشروعیت یا عدم مشروعیت تهدید یا استفاده معینی از سلاح های هسته ای اعلام کرد که اغلب قواعد حقوقی قابل اعمال مستقیم بر سؤال مجمع عمومی عبارت اند از:

سلاحی که فی نفسه نامشروع است، نمی تواند به وسیله معاهده یا عرف با ادعای آن که استفاده از آن برای مقصودی مشروع و موجه براساس منشور می باشد، مشروع گردد.^(۹) [به عبارت دیگر، برای تحقق مقاصد مشروع، باید از ابزارهای مشروع استفاده کرد. بنابراین، دفاع از خود هیچ گاه نمی تواند مجوزی برای استفاده از ابزارها و سلاح های نامشروع جنگی باشد،

اگرچه این ابزارها برای مقابله با حمله دشمن و دفاع، اجتناب ناپذیر باشند].^(۱۰) در خصوص هرگونه ابزار و روش توسل به زور در مقام دفاع مشروع، قیود دوگانه عرفی «تناسب» و «ضرورت» و حقوق قابل اعمال در درگیری های مسلحانه از جمله ماهیت سلاح های هسته ای و خطرات سهمناک مرتبط با کاربرد آنها اعمال خواهند شد.^(۱۱)

دیوان همچنین قصد معلوم و مدلل به استفاده از زور را در شرایطی که اقدامات تحقق یافته، به عنوان «تهدید» نامشروع به مفهوم بند ۴ ماده ۲ منشور باشند نیز مورد توجه قرار داد. به نظر دیوان، مفاهیم «تهدید» یا «توسل» به زور در بند ۴ ماده ۲ منشور موید آن اند که نامشروع بودن توسل به زور در یک مورد مفروض، تهدید به

توسل به چنین زوری را نیز نامشروع خواهد ساخت.^(۱۲) [به عبارت بهتر، اگر در یک شرایطی، توسل به زور نامشروع تلقی شود، تهدید به استفاده از زور مذکور نیز نامشروع خواهد بود].

دیوان اعلام کرد که صرف داشتن سلاح های هسته ای، تهدیدی نامشروع به کار برد زور مغایر با بند ۴ ماده ۲ منشور ایجاد نخواهد کرد مگر آن که توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی و یا مغایر با اهداف ملل متحد باشد یا در موارد استفاده از آن به عنوان وسیله ای دفاعی، اصول ضرورت و تناسب را نقض نماید.^(۱۳)

[بدین ترتیب، دیوان در این مرحله یعنی ارزیابی سئوال مطروحه با حقوق توسل به زور در منشور، نتیجه گرفت که به رغم سکوت منشور نسبت به سلاح ها از جمله سلاح هسته ای، داشتن سلاح هسته ای الزاماً تهدیدی نامشروع به مفهوم بند ۴ ماده ۲ منشور نبوده و این مفهوم در صورتی محقق می شود که علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی و یا مغایر با اهداف ملل متحد، تهدید به استفاده از سلاح هسته ای شود. در هر حال، بیان مذکور دیوان چندان ابتکاری را دربر ندارد. زیرا براساس منشور آن چه موجب نامشروع بودن تهدید یا توسل به زور است آن است که تهدید یا توسل به زور، به شرح فوق و علیه موارد مذکور باشد.^(۱۴)

ابتکار دیوان در این حوزه، آن است که دفاع از خود نیز که استثنایی بر اصل منع توسل به زور می باشد، فی نفسه موجب مشروعیت استفاده از ابزارهای جنگی در مقام دفاع

نمی‌شود بلکه مشروعیت آنها و تحقق دفاع از خود منوط به آن است که اصول ضرورت و تناسب در دفاع رعایت گردند وگرنه به رغم وجود شرایط دفاع از جمله وقوع حمله‌ای مسلحانه، کاربرد ابزارهای جنگی توسط مدافع، دفاع از خود را به استفاده نامشروع از زور تبدیل خواهد کرد.

دیوان با توجه به برخی معاهدات خاص مربوط به اکتساب، تولید، دستیابی، کاربرد و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای متذکر شد که این معاهدات «نگرانی فزاینده در جامعه بین‌المللی» درخصوص سلاح‌های هسته‌ای را «منعکس می‌سازد»^(۱۹) و نتیجه گرفت که «از این رو، می‌توان آنها را به عنوان چشم‌انداز منع عمومی آتی استفاده از این سلاح‌ها تلقی کرد لیکن خود چنین ممنوعیتی را ایجاد نمی‌کنند»^(۲۰) با توجه به معاهدات ناظر بر مسئله توسل به سلاح هسته‌ای، دیوان اعلام کرد که آنها «شاهد و دلیلی بر رشد آگاهی از ضرورت رهایی جامعه دولت‌ها و عموم از خطرات ناشی از وجود سلاح‌های هسته‌ای هستند»^(۲۱) لیکن این معاهدات نیز به منع قراردادی جامع و جهانی تهدید یا توسل به این گونه سلاح‌های هسته‌ای منجر نمی‌شود.

دیوان سپس به بررسی حقوق بین‌الملل عرفی پرداخت. اولاً اعلام کرد که عدم استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، به ممنوعیتی عرفی منجر نمی‌شود. زیرا جامعه جهانی در این

در مرحله بعد، دیوان حقوق قابل احتمال درگیری‌های مسلحانه را با پاسخگویی به دو سؤال، بررسی نمود:

۱- آیا قواعد خاصی در حقوق بین‌المللی برای تنظیم مشروعیت یا عدم مشروعیت ذاتی توسل به سلاح هسته‌ای وجود دارد؟

۲- اصول و قواعد حقوق بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و حقوق بی‌طرفی، چه پیامدهایی دارند؟^(۱۵)

دیوان اعلام داشت که در حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی، هیچ‌گونه مقررهای در تجویز تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای یا هر گونه سلاح دیگر در کلیه اوضاع و احوال و یا شرایط خاص به ویژه در شرایط اعمال دفاع مشروع از خود وجود ندارد. با این حال، هیچ اصل یا قاعده حقوق بین‌الملل نیز وجود ندارد که مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای یا هر گونه سلاح دیگر را به اجازه خاص منوط نماید. عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد که عدم مشروعیت استفاده از برخی سلاح‌های این

خصوص کاملاً نامتحد و غیر همسو می باشد. (۲۲) رزمندگان با استفاده از برخی سلاح‌ها. (۲۴)

ثانیاً به بررسی این نکته پرداخت که آیا برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی که به سلاح‌های هسته‌ای مربوط می‌شوند، بر وجود یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی در منع توسل به سلاح‌های هسته‌ای دلالت دارند یا خیر؟

از نظر دیوان، اگرچه این قطعنامه‌ها «نشانی روشن از نگرانی عمیق در خصوص مسئله سلاح‌های هسته‌ای» هستند و «از طریق منع خاص و صریح کاربرد سلاح هسته‌ای، آرزوی بخش بسیار بزرگی از جامعه بین‌المللی را برای اتخاذ اقدامی مهم برای خلع سلاح کامل هسته‌ای نشان می‌دهند»، (۲۳) قاصر از آن‌اند که به تکوین قاعده‌ای عرفی به ویژه در خصوص منع کاربرد سلاح‌های مذکور بینجامند.

در مرحله سوم، دیوان بررسی کرد که آیا توسل به سلاح‌های هسته‌ای را باید در پرتو اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعتماد در درگیری‌های مسلحانه و حقوق بی‌طرفی، نامشروع دانست یا خیر، دیوان اعلام کرد که اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر توصیف انجام عملیات نظامی عبارت‌اند از:

۱- حمایت از جمعیت و اهداف غیرنظامی و منع استفاده از سلاح‌های عاجز از تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان، و

۲- منع ایراد درد و رنج غیرضروری بر

رزمندگان با استفاده از برخی سلاح‌ها. (۲۴)

به نظر دیوان، قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه باید توسط کلیه دولت‌ها خواه کنوانسیون‌های محتوی آن اصول را تصویب کرده باشند یا خیر، رعایت شود، زیرا آنها اصول غیرقابل نقض حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشند. (۲۵) دیوان نظراکثریت گسترده دولت‌ها و همچنین حقوقدانان را مبنی بر این که به رغم ایجاد اصول و قواعد حقوق بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه قبل از اختراع سلاح هسته‌ای، در قابل اعمال بودن آنها نسبت به تهدید یا کاربرد احتمالی سلاح‌های هسته‌ای نمی‌توان شک کرد، مورد پذیرش قرار داد. دیوان همچنین دریافت که اصل عرفی بی‌طرفی نیز در چارچوب مقررات مربوط منشور نسبت به کلیه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی بدون توجه به نوع سلاح‌های مورد استفاده در آنها قابل اعمال می‌باشند. (۲۶) (اگرچه اصل بی‌طرفی به خوبی تعریف نشده است و دیوان نیز در این جا محتوای آن را تعریف نشده باقی گذارد، معمولاً از آن به معنای لزوم حداقل عدم حمله به دولتی که خود را بی‌طرف اعلام کرده و بر همین اساس عمل می‌کنند، یاد می‌شود).

به رغم عدم تردید در قابل اعمال بودن اصول و قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بی‌طرفی نسبت به سلاح‌های هسته‌ای، دیوان

اعلام کرد که نتایج حاصل از این قابلیت اعمال، بحث‌انگیز می‌باشند.^(۳۷) دیوان پذیرفت که در پرتو اوضاع و احوال منحصر به فرد سلاح‌های هسته‌ای، کاربرد آنها «در واقع، بندرت» با ترتیبات شدید ناشی از حقوق قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه، «آشتی‌پذیر به نظر می‌رسد».^(۳۸) از آن‌جا که قضات دیوان به صورت هفت موافق در برابر هفت مخالف تقسیم شده بودند، محمد بجای رئیس وقت دیوان با استفاده از رأی قاطع خود چنین نظر داد که تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای عموماً مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه خواهد بود.^(۳۹) در عین حال، دیوان اعلام کرد که برای نتیجه‌گیری قطعی در خصوص این که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط حاد دفاع از خود که در آن بقای یک دولت در معرض خطر باشد، مجاز خواهد بود یا خیر، مبنای کافی را در اختیار ندارد.^(۳۰)

مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در درگیری‌های مسلحانه

در ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، دیوان همچنین اعلام کرد که نمی‌تواند به درخواست نظر مشورتی که از سوی سازمان بهداشت جهانی در سپتامبر ۱۹۹۲ در خصوص سؤال زیردریافت کرده است، پاسخ مثبت بدهد. سؤال سازمان بهداشت جهانی این بود که:

در پرتو آثار بهداشتی و زیست محیطی سلاح‌های هسته‌ای، آیا استفاده از این سلاح‌ها توسط یک دولت در جنگ با سایر درگیری‌های مسلحانه، نقض تعهدات آن دولت بر اساس حقوق بین‌الملل از جمله اساسنامه سازمان بهداشت جهانی خواهد بود یا خیر؟^(۳۳)

دیوان اعلام کرد که اگرچه سازمان بهداشت جهانی براساس منشور به درستی مجاز شده است تا از این دیوان درخواست نظر مشورتی نماید و نظر درخواستی نیز ناظر بر مسئله‌ای

نهایتاً دیوان تعهد به مذاکره همراه با حسن‌نیت در راستای خلع سلاح کامل هسته‌ای را که در ماده ۶ معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پذیرفته شده است، بررسی نمود. قضات دیوان به اتفاق آرا نظر دادند که تعهد مندرج در ماده ۶ «تعهدی برای دستیابی به نتیجه‌ای معین - خلع سلاح هسته‌ای در کلیه جهان آن - از طریق تصویب یک سلسله اقدامات

- حقوقی می باشد، لیکن درخواست ارائه شده از سوی سازمان مذکور آن گونه که براساس بند ۲ ماده ۹۶ منشور ضروری است، به مسئله ای داخل در حوزه اقدامات سازمان مربوط نمی شود. (۳۴)
- دیوان اشعار داشت که صلاحیت آن برای صدور نظر مشورتی در پاسخ به درخواست یک آژانس تخصصی مستلزم آن است که:
- ۱- آژانس تخصصی درخواست کننده این نظر، باید براساس منشور برای درخواست نظر مشورتی از دیوان، به درستی اجازه یافته باشد.
 - ۲- نظر درخواست شده باید به «مسئله ای حقوقی» به معنای اساسنامه دیوان و منشور باشد.
 - ۳- نظر درخواست شده باید به مسئله ای واقع در حوزه اقدامات، آژانس تخصصی درخواست کننده این نظر مربوط گردد. (۳۵)
- دیوان با در نظر گرفتن این سه شرط، بر اهمیت قواعد مربوط و به ویژه سند تأسیس سازمان بهداشت جهانی در تعیین قلمرو اقدامات آن در قبال پیشینه سؤال ارجاعی، تأکید کرد. دیوان اعلام کرد که در تفسیر سند تأسیس یک سازمان بین المللی که دارای وصفی قراردادی و در عین حال سازمانی است (یعنی معاهده ای که با تشکیل یک سازمان بین المللی دو ویژگی معاهده بودن و سازمانی بودن را در خود جمع می کند) عناصر زیر را باید مورد توجه خاصی قرار داد:
- ماهیت سازمان بین المللی،
- اهداف تعیین شده برای سازمان توسط مؤسسين آن،
- انگیزه های مرتبط با اجرای مؤثر اشتغالات سازمان و
- رویه خود سازمان (۳۶)
- دیوان ملاحظه کرد که هیچ یک از ۲۲ وظیفه و اشتغال فهرست شده در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی صریحاً به (مسئله) مشروعیت هرگونه اقدام خطرناک برای بهداشت اشاره نمی کند یا به مشروعیت وضعیتی که سازمان در آن اقدام می کند منوط نمی گردد. (۳۷) ماده ۲ اساسنامه مقرر می دارد که سازمان، وظایف خود را «برای دستیابی به اهداف خویش» به عمل می آورد در حالی که ماده ۱، وظیفه آن را «دستیابی کلیه ملت ها به بالاترین سطح بهداشتی ممکن» تعریف می کند. به نظر دیوان، اشتغالات فهرست شده در ماده ۲، براساس تفسیر حاصل از هدف و مقصود اساسنامه و همچنین عملکرد سازمان بهداشت جهانی، به این سازمان اجازه می دهد آثار بهداشتی سلاح های هسته ای یا هرگونه اقدام خطرناک دیگر را بررسی کند و به منظور حفاظت از بهداشت جمعیت ها در صورت کاربرد این سلاح ها یا اقدامات ناظر بر آن، تدابیری پیشگیرانه را اتخاذ نماید. (۳۸)
- با استنباط این که درخواست مذکور نه به

تشریح کرد که منطق نظام منشور ملل متحد گویای آن است که سازمان ملل متحد از صلاحیت‌ها و اختیاراتی با گسترده عام برخوردارند ولی آژانس‌های تخصصی نظیر سازمان بهداشت جهانی، صلاحیت‌ها و اختیاراتی بخششی^۲ و محدود دارند. مسئولیت‌های سازمان ضرورتاً به قلمرو بهداشت عمومی محدود می‌شوند و نمی‌توانند به حوزه مسئولیت‌های سایر اعضای خانواده ملل متحد تجاوز نمایند. به عبارت بهتر، مسائل مربوط به توسل به زور، تنظیم تسلیحات و خلع سلاح، در صلاحیت منشور ملل متحد و خارج از حوزه صلاحیت آژانس‌های تخصصی می‌باشند.

نهایتاً، دیوان اعلام کرد که هیچ یک از گزارش‌ها و قطع‌نامه‌های سازمان، محتوی عملکرد و رویه آن در خصوص مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای نیستند. دیوان مقرر داشت که در کل، اختیار درخواست صدور نظر مشورتی در خصوص تفسیر اساسنامه سازمان در رابطه با مسائل خارج از قلمرو اشتغالات آن، به سازمان تفویض و سپرده نشده است.

آثار کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بر بهداشت بلکه بیشتر بر مشروعیت این سلاح‌ها در پرتو آثار بهداشتی - زیست محیطی آنها مربوط می‌شود، دیوان نتیجه گرفت که برای حمایت از صلاحیت دیوان پیوند و ارتباط بین درخواست مذکور و اشتغالات سازمان، کافی نیست. به نظر دیوان:

مشروعیت یا عدم مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای به هیچ وجه اقدامات خاصی را در خصوص بهداشت یا موارد دیگر (مطالعات، برنامه‌ها، تدابیر و غیره) که می‌توانند به منظور پیشگیری یا درمان برخی از این آثار انجام گیرند، ضروری نمی‌سازد.^(۳۹)

دیوان پذیرفت که سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند اختیارات و صلاحیت‌های فرعی یا ضمنی را که در اسناد اصلی حاکم بر فعالیت‌های آنها تصریح نشده است، اعمال نمایند.

با این حال، دیوان اعلام کرد که صلاحیت رسیدگی به مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را نمی‌توان، پیامد ضروری اساسنامه سازمان در پرتو اهداف تعیین شده برای آن توسط دولت‌های عضو دانست. صدور رأی برخلاف این امر به معنای بی‌توجهی به اصل تخصص اختصاصی بودن^۱ خواهد بود؛ اصلی که براساس آن سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های محدود فعالیت می‌کنند (و از صلاحیت عام برخوردار نیستند).^(۴۰) دیوان

1. the principle of speciality

2. Sectoral powers

7- "Legality of the Use or Threat of Nuclear Weapons, Advisory Opinion", ICJ Rep. 1996.

8- Ibid., p.537, Para.36.

9- Ibid., 537 Para.39.

۱۰- مسئله ملازمه استفاده از سلاح هسته‌ای با بقای دولت مورد حمله، حقوق بین‌الملل موجود را ساکت اعلام کرد. تأثیر ملاحظاتی سیاسی حداقل بر این بند از رأی نهایی دیوان کاملاً مشهود است.

11- ICH Rep. 1996. Op.cit, p.538 Para. 41 and ICJ Rep. 1986, p.94, Para.176.

12- Ibid., p.539 Para.47.

13- Ibid., pp.539-549, Para.48.

۱۴- در این شرایط، دیگر نوع سلاح مهم نیست. تهدید یا توسل نامشروع به زور خواه اگر همراه با سلاح‌های هسته‌ای یا هر سلاح دیگری باشد، به یک اندازه نامشروع خواهد بود.

15- ICJ Rep. 1996. Op.cit, p.540. Para.51.

16- I bid., p.540, Para.52.

۱۷- به عبارت دیگر، دیوان دیدگاهی مبتنی بر اصل اباحه را دنبال کرد. به نظر دیوان، در موارد سکوت حقوق بین‌الملل موضوعه (عرفی یا قراردادی) پیرامون جواز یا منع یک عمل باید به منابع مکمل به ویژه عملکرد دولت‌ها مراجعه کرد. در این راستا، دیوان مستنبط از رویه دولت‌ها اعلام کرد که فقدان اجازه استفاده از برخی سلاح‌ها را نباید به معنای نامشروع بودن کاربرد آنها بلکه باید به منزله مشروعیت آنها دانست و تنها ممنوعیت صریح است که موجب عدم مشروعیت کاربرد سلاح‌های مذکور خواهد شد. این استدلال دیوان گرچه مبتنی بر نگرش‌های حاصل از رأی دیوان در قضیه لوتوس و اصل حاکمیت دولت‌ها می‌باشد، ولی از این حیث خطرناک است که ممکن است استفاده از هر سلاح جدید را جز در صورت منع صریح عرفی یا قراردادی آنها، مشروع نماید.

18- Rep. 1996. Op.cit, p.547, Para.53.

19- Ibid., p.546, Para.62.

20- Ibid., Para. 62.

21- Ibid., p.546, Para.63.

فرجام

این دو نظر مشورتی دیوان جهانی برای توسعه حقوق سلاح‌های هسته‌ای و حقوق سازمان‌های بین‌المللی از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. اگر چه دیوان نتیجه گرفت که قادر نیست در خصوص مشروع یا نامشروع بودن تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای در شرایط حاد دفاع مشروع که در آن بقای یک کشور در معرض خطر است، قطعاً تصمیم بگیرد، (براساس آن دری را به روی مشروعیت آنها گشود) و نمی‌تواند به نظر مشورتی درخواستی سازمان بهداشت جهانی پاسخ مثبت دهد، استدلال‌های حقوقی منتهی به این نتایج، دیدگاه‌ها و نظرات آمره دیوان در خصوص مسائل مهم حقوق بین‌الملل را منعکس می‌سازند. اگر چه نظرات مشورتی مذکور، الزام‌آور نیستند، دیوان در تهیه و ارایه آنها از همان قواعد و تدابیری تبعیت می‌کند که بر آرای الزامی آن در دعاوی ترافیعی ارجاعی از سوی دولت‌ها حاکم هستند.

یادداشت‌ها

- ۱- صدور ماده ۹۲ منشور ملل متحد و ماده ۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری.
- ۲- جمله دوم ماده ۹۲ منشور.
- ۳- مواد ۳ و ۹ اساسنامه دیوان.
- ۴- بند ۱ ماده ۳۴ اساسنامه دیوان.
- ۵- ماده ۹۶ منشور.

6- UNGA Res 49/75 k.

Nuclear Arms under International Law," 5 *Dickinson JIL* 271 (1986).

● Richard Falk, Lee Meyrowitz & Jack Sanderson. "Nuclear Weapons and International law", 20 *Lnd JIL* 541 (1980).

● William R. Hearn. "The International Legal Regime Regulating Nuclear Deterrence and Warfare", 61 *B.Y.B.I.L.* 199 (1981).

● First Kalshoven, "Arms, Armaments and International Law." 191 *RdC* 183 (1985 11).

● Elliott L. Meyrowitz, **Prohibition of Nuclear Weapons: The Relevance of International Law** (1990).

● Elliott. Meyrowitz, "The Opinions of Legal Scholars on the Legal Status of Nuclear Weapons", 24 *Stanford JIL* 111 (1987).

● Istvan Pogany ed., **Nuclear Weapons and International Law** (1987).

● Alfred P. Rubin, "Nuclear Weapons and International law", 8 *Fletcher Forum* 45 (1984).

● Nagendra Singh & Edward McWhinney. **Nuclear Weapons and Contemporary International Law** (2nd Rev. Ed. 1989).

● Burns H. Weston, "Nuclear Weapons Versus International Law: A Contextual Reassessment", 28 *McGill LJ* 543 (1982).

۲۲- در واقع، منع استفاده از سلاح هسته‌ای، به قاعده‌ای عرفی تبدیل نشده است.

23- *Ibid.*, p.548, Para.73.

24- *Ibid.*, p.550, Para.73.

25- *Ibid.*, p.552, Para.79, and "Corfu Channel Case," *ICJ.Rep.* 1949, p.22.

26- *Ibid.*, p.552, Para.85 - 88.

27- *Ibid.*, p.554, Para.90.

28- *Ibid.*, p.555, Para.95.

29- *Ibid.*, p.559, Para.105 (2)E.

30- *Ibid.*, p.556, Para.97.

31- *Ibid.*, p.560, Para.105 (2)F.

32- *Ibid.*, p.557, Para.100.

33- WHA 46.40.14 May 1993.

34- "Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in a Armed Conflict, Advisory Opinion", *ICJ Rep.* 1996, p. 576 Para.26.

35- *Ibid.*, pp.566 - 567, Para.10.

36- *Ibid.*, p.570, Para.19.

۳۷- به عبارت دیگر، هدف سازمان مبارزه با بیماری و خطرات بهداشتی است. حال چه این خطرات از طریق توسل نامشروع به سلاح هسته‌ای ایجاد شوند یا در اثر هر چیز دیگر. در همه این موارد وظیفه و عملکرد خاص سازمان، تغییر نخواهد یافت و یکسان خواهد بود.

38- *Ibid.*, p.571, Para.21.

39- *Ibid.*, p.572, Para.22.

۴۰- البته سازمان ملل متحد به دلیل عمومی بودن حوزه صلاحیت آن، از شمول این اصل خارج می‌باشد.

منابع برای مطالعات بیشتر^۳

● Ian Brownlie, "Some Legal Aspects of the Use of Nuclear Weapons", 14 *ICLQ* 437 (1986).

● David M. Corwin. "The Legality of

۳. این منابع در انتهای مقاله دکتر پتر اچ. اف بکر ذکر شده است.